

تشدید فشار بر دگراندیشان همچنان ادامه دارد

سالگرد انقلاب بهمن آزاد کردند. وی در مورد آغازگری گفت: "در انتظار هستیم از قم خبرهای خوشی مبنی بر نقض حکم دادگاه عمومی همدان و آزادی آغازگری بشنومیم." وی در مورد عبدی نیز گفت که وی امیدوار می باشد که قرار بازداشت عبدی به وثیقه یا کفالت تبدیل شود و پس از ابلاغ حکم و تجدید نظر خواهی نسبت به آن حکم صادره، نقض شود. وضعیت و پرونده سازی جدیدی که برضد باقی صورت گرفته است با توجه به نوع سیاست های رژیم چندان دور از انتظار نمی تواند باشد. خوشبینانه ترین احتمال این است که با بازگذاشتن چنین پرونده یا پرونده هایی، همچون شمشیر داموکلس بر سر اشخاصی همچون باقی سعی می کنند آنها را در عرصه سیاسی خنثی سازند و در صورت نافرمانی از این امر با جریان انداختن پرونده های قوق، زندانی دیگر را با پرونده سازی های جدید، به این فعالین تحمیل کنند. امیدواری صالح نیکبخت در مورد آزادی عبدی و آغازگری اگر چه از دید حقوقی و از نگاه يك وکیل ابراز شده است، اما به دلیل اینکه دارای زمینه های غنی در میان فعالان سیاسی داخل کشور نیز می باشد قابل تامل و بررسی است. رژیم ولایت فقیه در مورد زندانیان سیاسی سیاستی را اجرا می کند که با ابراز امیدواری و چانه زنی نمی توان با آن مقابله کرد. حتی اکنون که آزادی آیت الله منتظری تحقق یافته است، شایعات نگران کننده ای نسبت به وضعیت آتی وی انتشار یافته است. نمونه علی افشاری که پس از آزادی موقت از زندان بار دیگر به زندان برگردانده شد و در آستانه آزادی به حبسی دیگر محکوم گردید نیز از این نمونه می باشد. گام بعدی سرکوب گران مسلما با توجه به نامه سخنان افشارگرا نه مهندس سبحانی متوجه وی خواهد گردید. پرونده معلق وی را به جریان انداخته و همچون دیگر موارد، حکم زندان به مورد اجرا در خواهد آمد. این شیوه ای است که در طول سالیان اخیر به مورد اجرا درآمده و همچنان ادامه دارد. ادامه چنین شیوه هایی نه در قدرت مخالفان اصلاح طلبان حکومتی در این رابطه می باشد. برخورد اصلاح طلبان حکومتی در این رابطه می باشد. جریانی که قبلا و در حال حاضر راه مذاکره و چانه زنی را برای آزادی زندانیان سیاسی به جنبش تحمیل کرده است، عملا راه را برای سرکوب گران هموار کرده است. جنبش برای حل مساله زندانیان سیاسی نیازمند برخوردهایی است که دو نمونه اخیر آن را می توان از جانب آیت الله منتظری و مهندس سبحانی مورد اشاره قرار داد. این تنها فرآیندی است که سرکوب گران را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت. اقدام اخیر مهندس سبحانی و حمایت وسیع داخلی و بین المللی از اظهارات وی، گرچه رژیم را وادار کرده است در مقطع کنونی به يك نوع عقب نشینی دست بزند، منتها اگر چنین شیوه ای در حد کنونی محدود بماند نه تنها مهندس سبحانی به عنوان يك قربانی دیگر چه در داخل زندان و چه در خارج از زندان، متحمل شکنجه روحی، جسمی و روانی خواهد گردید بلکه امکان گستردگی این اعمال و حشیانه برضد دیگر نیروهای سیاسی همچون باقی، آغازگری، عبدی و همچنین دانشجویان آزاده و دیگر نیروهای سیاسی را میسر و هموار خواهد ساخت. راه مقابله با اقدامات سرکوب گران نه در تسلیم که در مقابله و ایستادگی جمعی می باشد، نه در مذاکره و چانه زنی و اظهار امیدواری بلکه در اتحاد و همبستگی و مقابله مشترک با این اقدامات است.

به گزارش روزنامه آفتاب یزد، ۱۹ بهمن، عمادالدین باقی، روزنامه نگار و نویسنده پس از پایان دوران محکومیت از زندان آزاد گردید. این آزادی همزمان با این خبر بود که قرار است برای وی پرونده ای دیگر تشکیل گردد. همسر باقی در این مورد گفت: "پیش از فرارسیدن زمان آزادی از زندان، عمادالدین باقی در تاریخ چهارشنبه ۹ بهمن، توسط شعبه ۶ دادگاه انقلاب از زندان احضار و تفهیم اتهامات جدیدی نسبت به او صورت گرفت و نهایتا برای این پرونده، قرار کفالت صادر شد. بیشتر مستندات مربوط به اتهامات جدید، و مجموعه ای از مقالات وی در باره قتل های زنجیره ای بود که پس از تفهیم اتهامات اخیر، مقرر شد که وی مستندات و نسخه اصلی مقالات چاپ شده را در روز ۲۷ اسفند ۸۱ تحویل دادگاه دهد." در رابطه با آزادی باقی، صالح نیکبخت وکیل باقی، عبدی و آغازگری، اظهار امیدواری کرد که عبدی و آغازگری نیز در

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۵۲، دوره هشتم
سال نوزدهم، ۲۲ بهمن ۱۳۸۱

ضرورت تشدید همبستگی با جنبش کارگری

دهند. نگارندگان این نامه از سازمان بین المللی کار درخواست کرده اند که در جهت تحقق خواسته های این کارگران به رژیم جمهوری اسلامی فشار وارد آورند. در يك اقدام مهم دیگر، شانزده تن از فعالین جنبش سندیکایی ایران از سازمان بین المللی کار خواستار آن گردیدند که برای برگزاری مجمع عمومی آزاد کارگران، تحت نظارت آن سازمان اقدام کند. در قسمتی از این نامه آمده است: "واقعیت این است که اکنون بیش از دو دهه است که کارگران ایران فاقد انجمن ها، و اتحادیه های مستقل خود در محیط کار هستند و کسانی که به نام کارگران سخن می گویند، نماینده واقعی آنها نیستند." فعالان مزبور با حمایت از نامه اخیر نمایندگان کارکنان صنعت نفت، آورده اند: "ضمن حمایت کامل از خواسته های به حق نمایندگان کارکنان صنعت نفت و هم صدا با آنها خواهان حمایت و پشتیبانی آشکار مشاورین و کارشناسان سازمان بین المللی کار در راستای برگزاری مجمع عمومی آزاد و فراگیر کارگران در همه رشته های تولیدی و خدماتی، بدون دخالت و اعمال نظر نهادهای دولتی و غیر کارگری، جهت ایجاد اتحادیه های مستقل شاغلین رشته های مختلف هستیم. شایسته است که برای جلوگیری از هرگونه دخالت نهادهای دولتی، برگزاری این مجمع عمومی و انتخاب نمایندگان در آن، تحت نظارت مستقیم مسئولین سازمان جهانی کار و اتحادیه های آزاد بین المللی صورت گیرد." این فعالان در ادامه با اشاره به مصوبه ضد کارگری که بر اساس آن کارگاه های ده نفر و کمتر نیز از شمول قانون کار خارج گردیده اند، آورده است: "از بین بردن امنیت شغلی، حذف

در طی دو ماه گذشته تحولات کارگری میهن تغییر و تحولات مثبتی را شاهد بوده است که ادامه چنین روندی تأثیری تعیین کننده را در تحولات سیاسی میهن برجای خواهد گذارد. این تحولات که از هنگام بازدید نمایندگان سازمان بین المللی کار از ایران نمودهای علنی آن افزایش یافته است، نشانگر جنب و جوشی است که در میان کارگران و زحمتکشان میهن وجود دارد. بدون شك این جنب و جوش نه از مقطع بازدید هیئت مذکور که قبلا نیز وجود داشته و عوامل مذکور باعث گردیده که با وضوح بیشتر خود را نشان دهد. به دنبال نامه فعالان کارگری مرتبط با صنعت نفت که در نامه ای به سازمان بین المللی کار خواستار تشکیل تشکل مستقل کارگری بدون دخالت رژیم فعلی شده بودند، ۶۲۰ نفر از کارگران لوله سازی اهواز در نامه ای مشابه به سازمان مذکور، خواستار احقاق حقوق بایمال شده خویش گردیدند. این کارگران ضمن تشریح وضعیت سیاست های خائنانه برانداز که باعث فقر و بدبختی هزاران هزار زحمتکش میهن گردیده است، در مورد حقوق های عقب افتاده خودشان می نویسند: "یکی دو سال است که حقوق اولیه خود یعنی دستمزدهای ماهیانه مان را دریافت ننموده ایم و جنباعالی نیز مطلع هستید که مدت مدیدی است که کارگران ایران برای رسیدن به مطالباتشان با نیت مذهبی از راههای تفاهم موفق نشده اند و ناگزیر به شیوه های اعتراضی علیه جمهوری اسلامی روی آورده اند و در راستای دستیابی به حق صنفی شان هزینه های مادی و معنوی سنگینی متحمل شده و هنوز هم روزانه به خانه کار و سرکوب و اخراج و زندان و گاه به اعدام آنان ادامه می

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

تلاش برای هرچه محدود کردن امکانات خبررسانی

اخیرا اخباری در مورد برخورد با شرکت های اینترنتی که خدماتی را در این مورد در داخل ایران عرضه می کردند، منتشر شد. نوع برخورد با مراکز اینترنتی در واقع محدود کردن اطلاع رسانی دقیق و آزاد از این مجرا می باشد. مرتجعان که به دنبال تعطیلی گسترده مطبوعات و در اختیار داشتن دیگر رسانه های فراگیر، در صدد هستند محدودیت های موجود را به حداکثر ممکن برسانند، مبارزه با اینترنت را تحت لوای "مبارزه با فساد" از جندی پیش آغاز کرده اند و با کنترل و بستن مراکز اینترنتی که در اختیار شرکت های خصوصی بود آن را به مرحله اجرا درآوردند. اما اجرای چنین اعمالی را با دلایل غیر واقعی دیگر توجیه می کنند. احمد رهبری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس با اشاره به اینکه تعطیلی مراکز اینترنتی و کافی نت ها به علت عدم توان بخش مخابراتی کشور با بخش خصوصی می باشد، گفت: "در جلسه ای که با حضور وزیر پست و تلگراف و اعضای کمیسیون صنایع و معادن در محل کمیسیون برگزار شد، موضوعات پیرامون تعطیلی کافی نت های اینترنت مورد بحث و بررسی قرار گرفت. با توجه به اینکه هزینه مکالمه تلفن خارجی و بین المللی توسط بخش خصوصی بسیار کمتر و در حدود یک هشتم قیمت دولتی است، در نتیجه این موضوع در تعطیلی کافی نت ها بسیار موثر بوده است." (آفتاب پرد، ۱۵ بهمن) در این مورد حتی اگر بخواهیم این توجیه را قبول کنیم باید گفت: به جای تعطیلی کامل این مراکز، این محدودیت ها می توانست فقط شامل خدمات تلفنی گردد و اجازه داده می شد که این مراکز به دیگر عرصه های خدمات مشغول شوند. دلیل دیگر که این توجیه را غیر قابل قبول می کند این است که رژیم ولایت فقیه هم اکنون چهار نعل به سوی خصوصی کردن تمامی عرصه های اقتصادی می رود و قرار است به قولی از دخالت دولت در امور اقتصادی هر چه بیشتر بکاهد. به نظر می رسد در عرصه ای که با منافع رژیم ولایت فقیه تلاخلی ایجاد گردیده است، سیاست خصوصی سازی جنبه ای دیگر پیدا کرده است. هدف دیگر از این اقدامات این است که احتمالا این مراکز اینترنتی با ضوابط و کنترل های شدید بازگشایی خواهند کردید تا مردم را نه از امکانات تلفنی که از اطلاع رسانی آزاد محروم سازند. سخنان قالیباف را که در این مورد بیان گردیده، واقعتا امر را بیشتر مشخص می سازد. وی در این مورد گفت: "نیروی انتظامی در فکر حذف و یا مخالفت با تکنولوژی و تجهیزات از قبیل اینترنت و ماهواره نیست، اما در زمینه اینترنت و ماهواره سیاست های مخرب و آسیب زایی وجود دارد که می تواند تاثیرات عمیق و ضد انسانی بر جوانان و جامعه داشته باشند. طبق نظر سنجی ما ۷۵ درصد مردم، نقش مخرب و آسیب زایی این وسایل ارتباطی را تایید می کنند، لذا نیروی انتظامی نیز به عنوان ضابط قوه قضاییه، مجری قانون و بر اساس قانون با این پدیده مبارزه می کند." (آفتاب پرد، ۲۱ بهمن) صحبت های کلیشه ای قالیباف در مورد وسایل ارتباط جمعی بازگویی همان سخنانی است که مرتجعان حاکم بارها و بارها به عنوان مختلف آن را بیان کرده اند. حتی این توجیحات سرکوب گرانه در جریان به تعطیل کشاندن روزنامه های کار گرفته شد. منتها این چیزی که قالیباف اخیرا اظهار کرده است کل واقعتی است که دیگران در غالب سخنانی متفاوت سعی در اجرا و توجیه آن دارند. تعطیلی مراکز اینترنتی نه به دلیل مشکلات رقابتی دولت در برابر هزینه های تلفنی که محدود کردن اطلاع رسانی آزاد برای حفظ پایه های این رژیم سرکوب گر است.

دامه صورت استبداد استبداد استبداد

تعطیلات آخر هفته، کاهش میزان مرخصی سالیانه، لغو محدودیت ساعات کار و حذف محدودیت قانونی در مورد اجبار کارفرما به انجام معاینات پزشکی از جمله مواردی هستند که قرار است در واحدهای ده نفر و کمتر به مورد اجرا گذاشته شود. این نامه با اشاره به دیگر موارد این چنینی که تبعات بسیار سنگینی را برای کارگران به همراه خواهد آورد در مورد اهمیت این موضوع می نویسد: "این موضوع به ویژه از آنجا اهمیت دارد که اکثریت بزرگی از واحدهای تولیدی و خدماتی در ایران زیر ده نفر شاغل دارند و خود به خوبی می دانید که از کل جمعیت شاغلین کشور تنها ۸ درصد زنان مشغول به کار هستند که حدود نود و نه و نیم درصد آنها در کارگاه های زیر ده نفر به کار مشغولند و این مصوبه بر فلاکت زنان کارگر خواهد افزود. حتی بر مبنای مصوبه جدید به آنها اجازه نخواهند داد که در زمان کار به نوزادان خود شیر دهند." در پایان با توجه به وضعیت وخیم کارگران آمده است: "شرایط کار و زندگی کارگران ایران فوق العاده دهشتناک است. دولت و کارفرمایان ایران در شرایط بیکاری گسترده، درصددند کارگران را در تنگنا و انزوای هر چه گسترده تری قرار دهند. امروز بیش از هر زمانی کارگران به حمایت های بین المللی نیازمندند. اگر بخواهیم واقعبینانه به مسایل کارگری نظر بیفکنیم باید اذعان داشت در هیچ دوره ای از تاریخ جنبش کارگری، چنین بی پروا به دستاوردها و حقوق کارگران حمله نگردیده است. در حالی که در سابق تمامی سعی و تلاش حاکمان ضدکارکن معطوف به وضع قوانینی بود که منافع سرمایه داران را حفظ کند و در چارچوب همان قوانین هر حرکت و اعتراض کارگری را در نطفه خفه کنند، رژیم جمهوری اسلامی که جناحین آن بر سر پایمال کردن حقوق کارگران هیچگونه اختلافی ندارند، با قصص قوانین موجود، کارگران میهن را در وضعیتی قرار داده که هیچ چیز جز بی قانونی و در واقع نوعی بربریت جدید بر آن اسمی نمی توان گذاشت. بر اساس وضعیت جدید کارگران تابع هیچگونه قانونی نیستند و این آزادی برقرار گردیده تا هرگونه که تقدس سرمایه حکم می کند بر آنها اعمال نظر بشود. تجربه بیش از دو دهه حکومت فقها و همچنین تجربه برار جنبش کارگری در طول چندین دهه گذشته بار دیگر این موضوع مهم را نزد کارگران برجسته ساخت که در نبود شکل های واقعی کارگری هر روز آنها باید شاهد از دست دادن حقوق خویش باشند. تحولات اخیر که خوشبختانه در عرصه کارگری کم کم گسترش می یابد باعث گردیده که توجه به این مساله نیز بیشتر گردد. محسن ایزدخواه کارشناس روابط کار در گفتگو با ایسا، ۱۵ بهمن با بیان اینکه بخش عظیمی از جامعه کارگری ایران تشکلی صنفی برای دفاع از حقوق خود ندارند و این مساله که حدود ۴۷۵ هزار کارگاه در کشور وجود دارد که شرایط لازم را برای تشکیل تشکل کارگری دارند، گفت: "بررسی ها نشان داده است که تشکل های صنفی کارگری موجود، نمایندگی کمتر از ۱۵ درصد جامعه کارگری را در اختیار دارند." هر چند همین درصد مورد اشاره هم نمی تواند صحت داشته باشد منتها این نیاز و ضرورت در هر شکل و شمایل باید در افکار عمومی بخش و منتشر گردد. موضوع تشکل های مستقل کارگری از دید فعالان خارج از کشور که مدافع حقوق کارگران می باشند نیز مورد توجه قرار گرفته و از طرق گوناگون و یا نامه نگاری به ارگان های بین المللی تلاش برای تحقق این امر را شروع کرده اند. تحولات اخیر کارگری در میهن ما به خوبی نشان می دهد که نتایج چندین سال اعتراضات پراکنده در جای جای میهن پهناور، راه حل اصولی خویش را باز یافته است. این تحولات که همگام با جنبش مردمی خرداد ۷۶، شروع به اوجگیری بی سابقه کرد، نشان داد که فضای هر چند جزئی که بتوان از آن به نفع تحقق خواسته های صنفی سیاسی بهره جست از چه اهمیت والایی برای هر جنبشی برخوردار است. میهن و جنبش کارگری در حالی به این نتیجه مهم رسید که امکان همان اعتراضات پراکنده را پیدا کرده بود، اعتراضاتی که به خیالی بی ثمر قلمداد می گردید در واقع امر موقعیتی مناسب برای جانداختن یک موضوع مهم نزد کارگران را به ارمان آورد. مسلما در صورت عدم وجود چنین فضایی که سرکوب خشن و قطعی را برای مرتجعان امکان پذیر می ساخت، امکان چنین تحولاتی اگر چه غیر ممکن نبود ولی با دشواری هایی به مراتب بیشتر روبرو می گردید. اکنون این جنبش نیازمند حمایت و پشتیبانی داخلی و بین المللی است. پیشرفت جنبش مردمی بدون حضور مستقل و گسترده جنبش کارگری متحقق نخواهد گردید. این جنبش باید امکان حضور مستقل و همچنین پیوند خوردن با دیگر طبقات اجتماعی را بیابد. همانطور که ما قبلا اعلام کرده ایم جنبش کارگری تنها جنبش موجود و مهمی می باشد که فاقد رسانه بی مستقل و فراگیر و یا محلی برای خویش می باشد و یکی دو مورد موجود یا در کنترل نهادهای دولتی و یا آنچنان که باید تاثیر گذاری بایسته خویش را ندارند. جنبش کارگری ایران در مرحله نوین و کیفی جدیدی که پیدا کرده است باید این امکان را در مرحله حساس کنونی به دست آورد.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
- 2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- 3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 653
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

11 February 2003

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک Berliner Sparkasse